

احترامات را عمل آوردند جناب رزق فرشتهای خوشنودی در صامتند از عاقلی میرزا عباس خان و سایر اموری در دولت علیه حاصل نمود
 یوم شنبه بیست و نهم که روز روز و جناب رالیه بدر اخلان و سفارتخانه خوش بود و بوقت مقرب انخاقان حاجی محمد خان حاجب الدوله
 چادر پوش بزرگ با چند باب در دیگر در طشت که یکفرسخی شهرت چه ملاقات استقبالین جناب معنی الیه زوده و مفروش نموده چند لیوان
 چیده و میزها که از و چند خواجه از جلویات و میوهات و نباتات و اوضاع صده و چائی ترتیب دادند از جانب سنی انجوانت همان
 جمعی از معتبرین چاکران در باری بنیوجب استقبال نمودند رئیس استقبالین مقرب انخاقان میرزا علی محمد خان و داوود خان سرتیب و مترجم اول و دو
 مقرب انخاقان میرزا صادق خان سرتیب مقرب انخاقان میرزا محمد خان کلاته و در اخلان و محمد سرتیب مصطفی قلیخان پور شاهی پانچ نفر نمایندگان
 و از جانب جناب وزیر امور دول خارج هم مقرب انخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الغدیره با استقبال فرستادند و فرستادند که از منزل مش
 می آمدند در وقت چادر مقرب انخاقان میرزا سید محمد خان و او در خان از چادر بیرون آمدند و از هم پذیرائی را عمل آوردند و اتفاق داخل چادر بیرون
 مقرب انخاقان میرزا الیه از جانب سرکار اقدس عالیون رسم احوال پرسید و مطلقاً طوکاره را بجا آورده و انظار داشت مقرب انخاقان میرزا
 میرزا عبدالوهاب خان نیز از جانب جناب وزیر امور دول خارج اظهار بزرگی و خوش آمدی نمود پس از صرف شربتی و صده و چائی و طی سهر
 مجلس منقضی شده و بنای غنیمت شهر دار اخلان کردند سر سب از اسبهای خاصه کاری با براقهای طلاکی برای سواری
 مغزی الیه دور رس از برای یک قبل از وقت در علم در یک نفر نامه و دو نفر جلوه دادند و چنین چهار رس اسب از اصطبل صده سوار
 صاحبهای سفارت منزل فرستادند بود جناب رزق فرسوار اسب خاصه کاری که مقرب انخاقان رئیس استقبالین نیز فرستادند
 بالاتفاق با سایر استقبالین اجراء سفارت روانه شدند قدری بدو راه شهر مازندران فرستادند و پنج نفر شاطر شاهی با صاحبان
 خود حاضر بودند در همین عهد جناب رزق فرسوار افتاده الی منزل سفارت پیش بود قبل از وقت دولت نفر سوار با
 یاد و بالاسبهای پاکیزه بوجه شرفیات حسب تعین امیر الامرا اعظام جناب سپهسالار دم دروازه حاضر بودند اسبها هم عجب
 مغزی الیه احترامات عسکر به عمل آوردند و الی منزل سفارت که آمدند در دم منزل نیز دولت نفر سوار با یک نفر با در حاضر بودند و
 پیاده شدن جناب مغزی الیه احترامات عسکر به عمل آمد و همچنین ده نفر سوار با یک نفر وکیل بالاسبهای پاکیزه در سفارتخانه از جهت
 قراولی احترام دائمی حاضر بودند از جانب سنی انجوانت اقدس عالیون مقرب انخاقان عین الملک ناظر علی حضرت شهرت شاهی پنج نفر
 نقل وقت که دین تبریک و خوش آمد جناب رالیه بود قبل از وقت فرستاده بودند و سه نفر از مستوفیان نظام بدین موجب

۲۷۱۲

مقرب انخاقان میرزا نصرالله مستوفی مقرب انخاقان میرزا زاده می مستوفی مقرب انخاقان میرزا علی محمد مستوفی

بالاسب در باری در منزل سفارت حاضر بودند پس از در و جناب رزق فرسوار از جانب عالیونی رسم تعارفات
 بعمل آوردند روز دهم در و جناب رالیه مقرب انخاقان میرزا سید محمد خان و مترجم حضور عالیون از جانب سنی انجوانت
 اقدس عالی منزل سفارت رفته احوال پرسید از جانب رالیه که روز دهم مترجم میرزا سرتیب

مشی خاصه از جانب جناب وزیر امور دول خارج برای
 احوال پرسید جناب رزق فرسوار

از قرار روزنامه های فرانکستان مملکت بر این که در جهت شرقی قطعه جنوبی یکی دنیا واقع است و تحت حکومت
یک پادشاه است که دخیل جمهوری ییکی دنیا ندارد مملکتی است بغایت حاصل آور و چون اهل خود آن مملکت خدا
از وقایع امور زراعت اطلاع ندارند از جانب پادشاه بر ازیل ناموزین بفرانکستان فرستاده شده است
که از ارباب بنهر و زراعت بقراریومیته دو هزار دینار الی سه هزار دینار اجرت داده کار و زراعت کار و
اهل صنعت بان ولایت بپردازند از قرار مذکور از الی دولت پر دستیه خلی اشخاص باین قرار داد یومیته های
خود را قلمداد کرده غنیمت مملکت بر ازیل را نموده اند (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین در رویه
پای تخت استریه لاتاری کشیدند از هشتاد هزار تومان الی یک هزار تومان بدست حصه و بر طبعی تخمینا
یک تومان شخصی از الی جزیره ساقر پرام نام که در ترکیه مقیم بود یک تومان داده یک طریط خرید
بعد از آنکه مدتی بجهت دولت تومان خرمن محبوس گردید درین پن که در حبس بود لاتاری مزبور کشید
شده هشتاد هزار تومان باسم او درآمد و وجه مزبور را با تسلیم کردند و اجرتش بدون آمده بکبار
تومان از وجه مزبور را بشکرانه فقرا و مساکین بصدق نمود) (دیگر نوشته اند که در شهر قراره که
در ایالتا واقع است شخصی تاجر که تجارت ابریشم میکرد نشت هزار فرانق ابریشم فروخته و سخاوه آنرا
گرفته بمقصد خود میرفت درین پن سه نفر خود را بهشت و ترکیب صبیطه در آورده نیز داد آمده گفتند که
این شخص که ابریشم از تو خریده قلب زن بوده و ابریشم ترا از او گرفته در مکرک صبیطه کردند و سخاوه
که بود داده است در مکرک میخواهند و یک سند ساخته باسم مکرک با دادند که برده بکرک داده ابریشم
خود را بگیرد و سخاوه ابریشم را از او گرفته بی کار خود رفتند شخص مزبور بکرک آمده سند را ظاهر کرد
که ابریشم خود را بگیرد معلوم شد که سند او ساختگی است گذشته از ضرری که بان چهاره خورد خود او
ببغیب گردید) (دیگر نوشته اند که در بیروت دو نفر یکی از اهل استریه و یکی از اهل رومه باسم تاجر
کرده کارشان بخرمن باز شده یکدیگر را بجنک دول دعوت کردند چون تنها بودند در کوه با یکدیگر
با کار اقدام کرده یکدیگر را زخم زده و هر دو هلاک شدند و بهمین شخصی از اهل پوپو که با شخصی از اهل خود
بهمین منازعه کرده در یک او غلی اسماصول در محقق بانقلابی نام هر دو بهم زخم کار زده یکی فوراً هلاک
شد و دیگری در حالت ترغ بود از اطراف مردم شخص حال آنها بر آمده چیزی بخر غیرت جاهلیت ازین عمل
آنها معلوم شد بعد از دعوت دیگر آنها هم بان زخم کار در که کاری بود هلاک گردید این اصول جنک دول باین

۲۷۱۳

دو نفر که فوراً باید بقانون حرکتان باید بجهت مشاهده پانزده نفر درین جنگ آنها حضور داشتند
 و جهت جنگ در یک جانی یکدیگر را و بعد میگردند بعضی هر دو طرف بنفسه مبارزه میکنند و بعضی طرف
 دیگر وکیل تعیین میکنند و در نظر با هم رو برو که شدند آلت جاهده را از طپانچه یا حربه و غیره چنان کردند
 بیکدیگر نشان میدهند و هر دو یکدیگر هم ضربت نمیزند هر کدام که از یکطرفش خون جاری شد معلوم شد
 در حال دعوا موقوف میشود و این ما بین اهل فرنگان عادت قدیمه شده حتی نوشته اند که چهل و شش سال
 قبل ازین از سلطان عساکر دولت فرانسه شخصی سولیه نام یوزباشی مشهور و معروف که درین کار
 داشت و اغلب اوقات وکیل شده و در نظر که با هم جنگ داشتند بکطرف او را وکیل میکردند و جنگ کرده
 می آمد و چهارده نفر را با این طور در چارسنج هلاک کرده بود تا یکی از یوزباشیان دولت مرزبور و نقل تمام
 معنی کران آمد و با خود جنال کرد که اگر این شخص با این حالت باشد چینی اشخاص را خواهد کشت باید دفع او را کنیم
 لهذا او را بیک اول دعوت کرده بجهت اقدام نمودند و اما غالبیت از بیطرف ظهور یافت قرار کردند
 که در مملکتی دیگر رفته با هم جنگ نمایند و با آنها بره بیک ولایت دیگر رفته در آنجا بروند و بر تبه سرگردی رسیدند
 است چهارده سال این نیت که یکدیگر را تلف نمایند بر بردند (دیگر از قرار روزنامه های فرانسه ستاره
 و بناله و ایشار کن نام که در هر سیصد یکده طلوع نماید درین ستاره با ز وقت طلوع آن نزدیک شده
 از دو سال قبل ازین بجهت فرنگستان انتظار طلوع این ستاره را می کشیدند در وقت طلوع ستاره این
 بر این که سیصد قبل بود در روی زمین انقلاب و اختلاف کلی شده و در نزد بعضی بجهت پیوسته که ستاره
 مرزبور طلوع شده و در نزد بعضی بعد ازین باید طلوع بکنند و درین باب از متجین طوسغانه و دومان نام مشهور
 ستاره مرزبور را درین سال بواسطه دورین رصد بالمشاهده دیده و حکم کرده که در ماه این عیسوی ظاهر
 شد و درین سال پنج ستاره و بناله و ایشار کن خواهد شد از اینها دو ستاره معلوم شده است که از آن
 سابق است و ستاره تازه و بر پنج ستاره حرکتان از شرق مغرب باشد و ستاره ایشار کن نام مشهور
 حرکتش هراتامی که ظاهر شده است از غرب شرق بوده است و معلوم میشود که این پنج ستاره به هم
 ستاره مرزبور نبوده اند و این مطلب از قرار حکم پنجم باشی فرانسه در روزنامه های فرانسه اعلان شده است
 (دیگر نوشته اند که در جزایر که در تحت حکومت دولت فرانسه است روزنامه علمی العبار تازمه بر راه افتاده
 که بعهده یکدیگر اخبار و وقایع داخله و خارج را در آنجا طبع و نشر
 مینمایند

۲۷۱۲

روزنامه قایم انجمنه تاج یوم پشمبه ششم شهر ربیع الثانی مطابق سال یوسه و پنجاه و هفت

منطقه دار اختلاف طهران

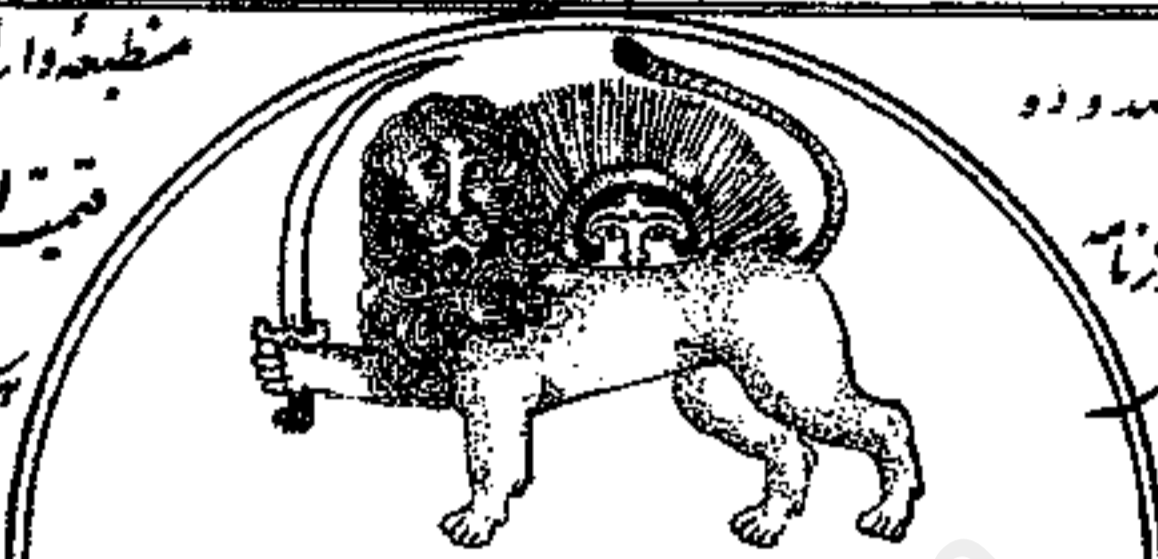
مره چهار صد و دو

قیمت روزنامه

هر نسخه یک

قیمت اعلانات

هر خط در هر شماره



اخبار و احداث ملک محمد شاه پادشاهی

دار اختلاف طهران
 مرکب یون که بر وفق رسم قدیم این دولت قوی شوکت تویم که غالباً وقت حرکت سیلابات در جهت ازان باغات و باغات واقع در خارج شهر دار اختلافه داخل منزل اجلال و ضرب سزاقت جاه و جلال میفرمودند این دفعه نیز در جهت از سیلاب و ازان ملاحظه عادت معروف و تدریج تبدیل هوای مالوف خند روزی ترتیب افروزی باغ تجارسیا و طراوت بخش آن زمان بودند یوم ششم به چهارم شهر ربیع المولود ساعت گری بجزو بیانه که نظر است سنجی لغایت مسعود و محمود رعایا و برای اسکند شهر دار اختلافه شوق زیارت وجود مبارک شاهنشاهی صمان الله تعالی م عن التناهی فطر ساعت مسعود بودند از باغ نگارستان باراه دروازه شمیران ره مبارک مبارک سلطانی حرکت فرموده سرکار علیحضرت اقدس شاه شاه خلد الله بلکه ابقاه بسبب سافت میل سواری کالیته تفرموده لغیر خداداد و شوکت و استبداد فوق معاد که نظیر آن درین سالها و قریباً موطو ایران و ایرانیان بوده سوارا بودند وزرای عظام دامرای کرام و امیران تومان و شیرپهان در جهان مناصب و نظام اعلی با پاس رسمی ترتیب درجات مراتب خود در جلو اسبهای یون پیاده ملزم رکاب مبارک بودند مستقبیل اهل شهر از طبعات و رعیت از حوالی باغ نگارستان تا ارک مبارک سلطانی از دو طرف معبره که به یون صف کشید جهت شام مقدم هایون صنیعی فراخو حال خود پیشکش و پای انداز و قربانی و وجه تقدق و نیاز مہیا و آمادہ ساختند و در شام خاکی مبارک میفرود اهل ایران که بالطبع فدوی و دعاگوی وجود فایض الحود مبارکند بسبب زیارت طاعت خردانند و بشکر این تقیبه تازه که متعین آسودگی عاقلین و شعکال عیث پروری و امر حمی قیاس با دشت کرده این کرباس بود چنان چشم خاصه در درون سیدیه بود که هکی مستقبیلان و تماشا شایان از برنا و پیرو صغیر و کبیر و انانیت و کرباز و حام تمام و غلبه و هجوم عام در کوجه و بازار و سر بر در و دوار با و ار بلند زبان عیای لغای وجود مبارک پادشاهی

۲۷۱۵

این حالت بوضوح تمام دلالت داشت که بواسطه این تغییرات و قرار داد تازه دل مردم چه قدر با لامل ضعف و لشکری انداز بود
بعد از آنکه اهل شهر زیارت وجود فایض ایچودهایون شفا و مبارک خاص نمودند در ساعت مغرب بفرز و اقبال تزلزل اعلان مبارک
سار که سلطانی واقع شده و صدای شنگ تپ از میدان توپخانه مبارک بلند کرد و در دیوانخانه مبارک تالار تخت مبارک که مقرب
حاجی محمد خان حاجب الدوله پیش از وقت بحال تعجب و لطافت آرایش درینت داده و نوبت الا شاهراده محمد تقی میرزا حاکم دارا خاندان
سیراوسی وزیر اطراف دریاچه را خرم خرم کل دریاچه قطار قطار کله نهای رنگین و انواع شیرینی و حلویات و قند و شکلات و میوه
و تقدیم پیشکش و پای انداز در تالار تخت مبارک کرده بودند بجهت نوازش جا کران و بار معدلت مبارک که جمعی در رکاب مبارک
و برخی در شهر دارا خاندان مصدر خدمت شده بودند بقاعده و قانونی که رسم خاص این دولت قوی شوکت است با بر عام و صف
سلام منعقد گردید مقربان درگاه و جهان بارگاه و عموم خدم و حشم هر یک در سر جاد مقام خود ایستاده سرکار اعلی حضرت اقدس
شاهنشاه کل الله خلد الله ملک و جعل الممالک در را لایحوظ آلاسکه تشریف هایون زینت افروختی تحت امر شد در مقصای عالی برناهی
برخی فریادت که کار خطا با نجاب این الدوله فرمایش فرمودند و احد عقد سلام بخلبه و تحمید و بجد حضرت ملک علام منقصدی گردید
هر یک از جا کران در بار معدلت مدار حضرت انفراف یافتند (از غره ماه ربیع الاول الی سیم ماه

امیر الامراء العظام نظام الملک الامام سپه لاریکل عا کر قاهره علامان تیرین کاب که قرب بکیزان فرمود و در پیون نگارستان بدست
هر چه متراسان دیده و اسب هر کدام سقط شده بود و تخواه معمولی را با نداد و سهیلای خنی خوب در حضور امیر الامراء العظام مغزی
واعی گردید صبح شنبه چهارم ثمه این غلامها در کمال استسکی در باغ نگارستان از سان حضور با بر انورهایون شاه ای بد چشم و نظر
گذشته مطبوع طبع هایون افتاد و نتیجتی الامراء العظام محمد مهینان کشیکچی باشی و در تقی خان توکل آقاسی که هنگام سان شرفیاب
حضور مبارک بودند مورد انواع رحمت شده و هر یک با عطا بیکتوب کبچه از طبوسات خاصه تن مبارک سرافراشته
و همان روز هم موکب هایون تشریف فرمای مقربان گشتند (مقربانخاقان حسنعلی خان سریت فوج ار و سل و سل
که با فوج جمعی خود بر کاب هایون حاضر گشته و در نیاوران شرفیاب شده بود و موجب فوج خود را در حضور نظام الملک و اقبال
سپه لاریکل عا کره و لشکر نوبان عظام نفر بنفر پر خسته در سیم ماه مامور و روانه خراسان شدند چون فوج خود را در کمال
استسکی و نظم و شکوه از نظر هایون گذرانده و اتهامات صادقانه و مخلصانه او در حضرت اقدس علی کمال جلوه نمود
یافته بود مورد و شمول عنایت طوکان گشته با عطا بیکتوب ختبه ترمه کرمانی سرافراز گردید (سوار ختبه جمعی
مقربانخاقان میرزا ابراهیمخان سریت ختبه که لبر کردی عالچاه ذوالفقار خان مامور خراسان بودند این او قاضی
مراحت کرده شرفیاب گشتن اعلی شده از سان حضور هایون گذشتند و در حضور نظام الملک و اقبال سپه لاریکل
عا کر قاهره و مقربانخاقان امین لشکر نوبان عظام نفر بنفر موجب خود را گرفته مرض و لایست شدند
و عالچاه مش را اقبیه مملع شده مرض دلایت گردید (چون مقربانخاقان میرزا ابراهیمخان سریت ختبه
سال است خدمت و صداقت را در راه دولت قرین هم داشته و در بند اسفار کمال جلادست ظاهر کرده و ختبه
ماموریت خراسان نهایت خدمتگذاری را بعل آورده بودند و انحضرت محبت مش را لید را منصب حلی سیری اول و عطا
حاصل نشان مخصوص این مرتبت سرافراز فرمودند (چون مقربانخاقان مهر علیخان شجاع افغانک همواره اوقات

۲۷۱۶

خاطر اقدس هالیون ملوکانه را از محاسن خدمتگذاری و جهان نشاری خود قرین خرسندی و
 رضامندی داشته و در نظم امور قسطنطنیه و وصول و ایصال نالیات آنجا و انجام سایر
 خدمات دیوانی کمال اهتمام را بجهل آورده درین اوقات که خواه قضاوتخانه را از فارس انقاد و در
 هالیون و عریضه بودت فریضه معروض میگذاه حضور مظهر ظهور داشته بود محض رحمت خاطر اقدس علی دربار
 مقرب انخاقان مشارالیه میکوب کلجه ترمه از ملبوس بن مبارک بافتخار او رحمت فرمودند (نظر بطور رحمت
 ملوکانه در باره مقرب انخاقان حاجی محمد خان حاجب الدوله در این اوقات میکوب کلجه از ملبوس بن
 مبارک با و خلعت رحمت فرمودند) (چون عالیجاه مقرب انخاقان میرزا حسن الله باشی مراتب صداقت
 و ارادت خود را در خدمتگذاری مشهود خاطر رحمت مظاہر سرکار اعلیحضرت اقدس هالیون شایسته
 داشته لهذا در این اوقات بموجب فرمان مہر المعان که منصب پیش سفیدی جمیع حرم خانهای سلطانی
 سرافراز گردیده و میکوب جبہ ترمه در از این منصب بپور خلعت مقرب انخاقان مشارالیه رحمت شد
) (عالیجاه مقرب انخاقان قاضی مصطفی قلیخان حاکم سبر و ار که جنیدی قبل بدر بار معدلت مدار هالیون
 آمد مدتی مرخص بود در این اوقات که احوالش صحیح یافت شرفیاب حضور مظهر ظهور اقدس هالیون و مودت عنایت ملوکانه
 شد و میکوب جبہ ترمه و یک قبضه شمیر غلاف طلا از جانب سنی ایوانب هالیون با و رحمت گردید و در حضرت
 انصاف از دربار هالیون حاصل نموده روانه محل حکومت خود گردید) (چون انخاقان مقرب انخاقان علیہ محمد قلی خان
 همواره اوقات مراقب خدمت محوله سجود بوده خاطر اقدس هالیون را از حسن خدمات خود رضی دارد لهذا در این اوقات
 یک طاقه شال کشیری اعلی محض ظهور التفات از جانب سنی ایوانب ملوکانه مشارالیه خلعت از صند فلکانه مبارک رحمت کرد
) (چون جناب سیونازی شارژ دفتر دولت بیہ بلجیک بعین مصلحتگذاری موقتی وارد دربار ایند دولت علقه کرد
 و سند امورت او منحصراً بسلطنت جناب وزیر دول خارجه اند و لت بود که جناب وزیر دول خارجه ایند دولت علیه تو
 لهذا جناب شارژ برای ملاقات با جناب وزیر دول خارجه وقت خواسته بود جناب معزی الیه یوم دوشنبه بیست و پنجم
 کرده جناب شارژ در ملاقات مقرب انخاقان میرزا عباس خان معاند ارد بر صاحبان خود در وقت معین منزل
 وزارت خارجه آمد و از وزارت خارجه در جهت لوازم تو قیر و احترام را از جناب شارژ در عمل آورد و جناب وزیر امور دول خارجه ملاقات شد
 شارژ دفتر سلطنت جناب وزیر دول خارجه بلجیک ایوانب وزیر دول خارجه دولت علیه ابلاغ کرده و امورت خود را اظهار و صاحبان
 معرفی کرد و لوازم مودت و احترام نسبت بان ایوانب جناب وزیر امور دول خارجه عمل شد شیری چای صرف شد پس از ختم مجلس
 شارژ دفتر با صاحبان سفارتخانه خود در معاودت نمودند

۲۷۱۷

روید سبب بیست ششم شهر صفر حسب الامر الامیر القاسم الاعلی مقرب المحضه العلیه ابو القاسم شایسته
 باجبه ترمه بجه دعوت جناب شاد در دفتر دولت بهینه بجیک شرفیابی حضور تایون سفارتخانه دولت مریز
 رفته یکر سب از اصطبل خاصه ابراق طلا برای سواری جناب شاد رایه و چهار روس اسب سب
 سواری صاحب منصبان بردند و نفر فرانس با یک نفر نایب و پنج نفر شاطر با نایب و پنج نفر اول
 از سفارتخانه بجلو افتاده تا کشیکخانه مبارکه پیش بودند و دست نفر سرباز با یک نفر باور بالاسهای
 رسمی در میدان جلوعمارت مبارکه حاضر بودند منسکام عبور جناب شاد در فراتحرامات عسکریه علی
 در کشیکخانه مبارکه از امرای و سربازان و چاکران محترم از قرار تفصیل ذیل بالباس در باری و

مقرب الخاقان مقرب الخاقان محمدی مقرب الخاقان آقا خان مقرب الخاقان میرزا مقرب الخاقان ابو القاسم مقرب الخاقان العلیه
 عباسقلخان قاجار میر نیچه عباس خان نایب سربت مرم و اجودان حضور

نشان و حامل حاضر بودند بعد از آنکه جناب شاد رایه قدری استراحت کرده فتوه و چای صرف شد
 حضور تایون احضار کردید امیر الامیر العظام مقرب الخاقان شیک آقاسی باشی ترتیب و نظمی که مقرر بود
 جناب شاد رایه و صاحب منصبان را بحضور تایون برده و نامتویت اور چنانکه رسم است بعض حضور با سربازان
 رسانید و از چهار سربازان حضرت ورود تا لاریک ارزانی شد و دم پله های تالار و نفر از ناسان اجودان
 بالاسهای رسمی حاضر بودند احترامات عظامی عمل آورد و از شاد هر اداکان عظام بدین تفصیل در تالار حضور تایون مل با سب سلطان

۲۷۱۸

لوازم الاعضاء لواء و الاناب الایاله لواء و الاحتمالدوله لواء الاکبریت میرزا
 علی میرزا و داد میرزا حمزه میرزا

شیخ الامیر العظام مقرب الخاقان محمد هیکان کشیکی باشی بالباس در باری در سلام مخصوص با چهل نفر از عظام شادان خاصه شرف حضور
 بود و صف تمام داشتند یک جناب شاد در دفتر داخل تالار شد بزبان و نه سخن نیاز نامتویت خود را بعض چنانکه حضور تایون سب مقرب الخاقان
 اجودان و مرم خانم حضور تایون تقریرات زبان فارسی ترجمه نموده مشهوری مرم پیری اقدس علی کردی کل تقریرات و سخن جناب شاد در دفتر لیکال
 با این دو تن فحیمین بود که علی خیر شاد را باغادر در اظهار موت دوستی نسبت با علی خیر شاد با شاد بیخافه و اولاد از تقدمات طوکاره در حق

جناب شاد در دفتر لعل جناب شاد رایه با صاحب منصبان بعد از حتمی حضور تایون بجان ترمی که آمد بود سفارتخانه خود معاودت نمود
 (دویم ماه ربیع الاول جناب وزیر امور دول خارج بیازدید جناب سیواری شاد در دفتر دولت

سفارتخانه آن دولت هستند

سایر ولایات

اذربایجان از قراریکه در روزنامه دارالتسلطه تبریز نوشته اند بعد از وره و مقرت انجمن
 رحیم خان پیشخدمت و ابلاغ و این جهانمطالع بر حسب اعلام نواب و الارکن الدوله حکمران اذربایجان
 فرامین عالیون را در مسجد جامع دارالتسلطه تبریز خوانده عموم اهل شهر از طبقات خدام و عمال و رعایا
 بعد از اطلاع بر مضمون محبت نمون احکام علیه لوازم شکر گذاری بدرگاه حق تعالی تقدیم گردید و بنیت
 خالصه دعای دوام دولت و از دیاد شوکت شاهنشاهی را گفتند سجدات تعالی از تفصیلات حضرت ناری
 در زیر سایه اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه دامت شوکت و سلطنته بکلی را کمال امن و آسایش حاصل
 و امیدواریهای زیاد دارند که من بعد خدمات و جان نثارهای امانی اذربایجان در معرض خاطر
 ملکوتی مناظر جلوه کر کرده و مقدار خدمات هر یک معلوم شود مردم آنجا از هر صنف و طبقه در نهایت شوق
 و رغبت و دلگرمی و راحت مشغول امور خود میباشند و امتیث طرق و شوارع و دوفور از رزاق و حیوانات
 و متزل اسعار آنجا را نیز درج کرده بودند (مقرت انجمن جعفر علیخان میرنجه بعد از زیارت فرمان
 عالیون با اتفاق سایر ارباب مناصب نظامیه همه روزه در الحاق نظام مشغول نظم امور افواج قاهر
 میباشند و نیز نوشته اند که خلیفه بزرگ ارمنه با چند نفر از کیشیان دیگر دو اراده لغز اطفال ارمنه
 که در مکتب خانه بوده اند بحضور نواب و الارکن الدوله آوردند که این چند نفر نسبت بسیار متعلمین در
 فراگرفتن السنه عربی و فارسی و فرانسوی و حفظ قصاید و اشعار شیرینی داشتند هر یک از آنها بر حسب
 کمالات خود مورد نوازش و انعام شد و نواب و الا همگی را امیدواری بر جسم اعلیحضرت است
 شاهنشاهی داده تا کیدات زیاد در تشویق و ترغیب متعلمین کردند (ترجمه روزنامه موسوم بقفقا
 منظمه و نقلیس مطابق دهم شهر صفر المظفر ۱۲۷۵ چهارم سنطابرد در ولایت موافق بیان
 در شب خود عیدی برپا شده بود مطابق تقویم مسلمانان در این روز اعلیحضرت شهریار ایران
 ناصرالدین شاه تولد یافته از ابتدای روز صدای سوزنا و سایر آلات طرب اهل مشرق
 جلوی منزل جنرال قونسول دولت علیه ایران مرتب میرزا حسین خان بلنده شده بود رعایای
 ایران که در شهر نقلیس بقدر پنجاه نفر و اکثر آنها صنعت کامیباشند با بیدق خودشان
 جنرال قونسول آمده و در میدان جلوی جنرال قونسولگری جمع شده و از وزیرشادمانی دستبرد

۲۷۱۹

گذرانند از یک عت قبل از ظهر خیرال قونول با لباس رسمی تمام پذیرائی کار گذاران سپاهی
 تقطیس را که به تهنیت و تبریک آمده بودند میسند و از اینکه رفقار طریق مودت و دوستی
 حقیقی باطنی دو دولت بجزار را بطور و بروز میرسانند و در روز نور تکام مغرب جمع کثیری
 که بجهت صرف غذا موعود بجزال قونولگری بودند شروع به آمدن نمودند میری در کمال شکوه بطرز
 قاعده فرنگستان در اطاق بسیار وسیعی که زینت یافته بود از تمثال های لون به تمام قامت و کمال
 شباهت اعلیحضرت ناصرالدین شاه ترتیب وار ایستاده بود در آشنای صرف غذا خیرال قونول
 انبیا ز کرکورد و تیمر و بیج او در بلیانوف برخواستند سلامتی مستب این مجلس صیافت که وجود اعلیحضرت
 ناصرالدین شاه است یاد نموده پیاله نوشید و بعد از او خیرال قونول میرزا حسینخان سلامتی
 اعلیحضرت امیرطورکها نذر سیکولا لویج و دوام دوستی و مودت باطنی و حقیقی دو دولت مستحق
 بجزار یاد نمود بعد سلامتی خانواده سلطنت ایران بعد از آن سلامتی نواب ولعهد دولت روس
 و کل خانواده امیراطوری و سلامتی جناب چائشین فقار و سلامتی اولیای دولت عقیده ایران
 از طرفین یاد نمودند و در آخر سلامتی خود خیرال قونول و سلامتی کل حضار مجلس مذاکره شد
 در اظهار همه این سلامتها صدای متداوم و تورا با وجد و کمال توجه و مهربانی میربان نسبت بجزار
 معمول میکردید بعد از اتمام غذا که در تمامی آشنای او موریکان خوب او در پارامشول روان بود
 میرزا حسین خان حضار مجلس را تکلیف خرج بهتانی خانه خودش که در میدان جلوی او سیلاب
 اش بازی زیاد بسیار ممتازی حاضر کرده بودند نمود در حالتی که کل عمارت خیرال قونولگری
 در کمال سکوه و پاکیزگی چراغان شده بود و در بالای عمارت دو پرده بزرگ که در یکی طغرای اسم
 اعلیحضرت امیراطور روس نوشته شده بود و در پرده دیگر که مقابل و برابر با او بود طغرای اسم
 اعلیحضرت ناصرالدین شاه که درین اوصورت شیر و خورشید مشاهده میشد با آب طلا نوشته شده بود و در
 اطراف مهابلی بطرزهای غریب قندلیهای روشن آویخته و در میدان جلوی عمارت خیرال قونولگری
 در حالت ازدحام و جمعیت تماشا آمده بودند صدای موریکان او را و سوزنای شهری که مخلوط بود صدای
 شفت و دمانی عیدکنندگان بر سبیل اتصال بود میرفت ملائمت و خوبی هوا و روشی مآهتاب نیز این عیدین را که از
 جلد و قابضات عظیمه در شهر تقطیس است موافقت کرد

۲۷۲۰

اجبار دول خارجه

بقرايكه در روزنامه اسلامبول تباريح نامحرم نوشته اند راه آهني كه از اسكندريه تا مصر چندي قبل
ساخته شده بود بعد از ان از جانب والي والا شان منصر اتهام و صرف نفوذ همت كرديد كه از مصر تا سو
نيز راه مزبور ساخته شود و از قرار اخباري كه اين اوقات از ان طرف رسیده بوده است راه مزبور
مصر تا پنجه سوس نيز در اين اوقات با تمام رسیده است و در ماه آينده رفتن مسافر و سياح از ان
خواهد بود (ديگر نوشته اند كه حاجي علي نام از اهل خرابر بواسطه يك نوع آلات اختراعي كرده است كه خوا
در عمارت و خواه در باغچه هر محلي كه اراده نمايند بدون مباشرت انسان بلكه بواسطه حركت هوا با آن
آب بيرون آند و در محلي مزبور جاري مي شود و آلت مزبور بجلوس ثلثه كه در اسلامبول است او
و معانيه ديده اند مانند چرخ آسيائي است كه در جاهاي مرتفع با باد حركت ميكند و باد از هر طرف كه بوز
بطبيعت خود بآن طرف كوشش ميكند و اين كه درش را در روزنامه جريده اسلامبول اعلان كرده اند كه هر
از اين آلت نخواهد سازد و در عمارت و باغ خود بكار بيفتدازد) (ديگر از قرار روزنامه جريده الحوادث
اسلامبول مورخه ۲۸ محرم الحرام نوشته اند كه دولت عثمانيه تجبه كم شدن قوايم موجوده كه عبارت از پول
كافدي و اسكناس چنان و زياد شدن وجوه مسكوكات در ميان مردم و تسهيل معاملات خلق پنج طيان ليرا
كه متجاوز از قيمت دو كرو تومان بحساب پول ايران است توسط جناب فواد پاشا وزير دول خارجه
عثمانيه از قوميهاي انگليس بقرض خواسته بود از قراريكه در اين اوقات بسم تعارف از لندن خبر
رسیده است قوميان و ند با لركه در لندن واقع است و چه فرور بر العهد كرده است كه بدولت عثمانيه
نمايد و بواسطه رسيدن اين خبر بشاران در عرض چند روز مسكوكات متداوله قيمت و قيمتش در ميان مردم
چيني تنزل كرده است) (ديگر نوشته اند كه در اين اوقات شخصي كل او غلان نام كه روزنامه پاي قبا
از حتمالي ميگرد و شبها بلباس دروي درآمده سرقت ميسود در يكي از شبها دستبسته شده
اسباب او را كه واري كرده در دن سباب او يك جزو و ان بود كه سواد عرض حال انالي سكود كوتاي
كه با طيحه سلطان چند سال قبل اين عرض داشت كرده بودند و اصل سواد تعليم داد نوشته شده بود
آند و يك جزو و ان مهور ديگر هم بيرون آند و سكه در دروي نقره داشت يكي اسپيد مصطفي قهبي و ديگري
مظفر نورالهي احمد يكي در تارنج بغداد و سيم يكي در تارنج بغداد و چهار و سواي اينها سكه ديگر كه در عهد

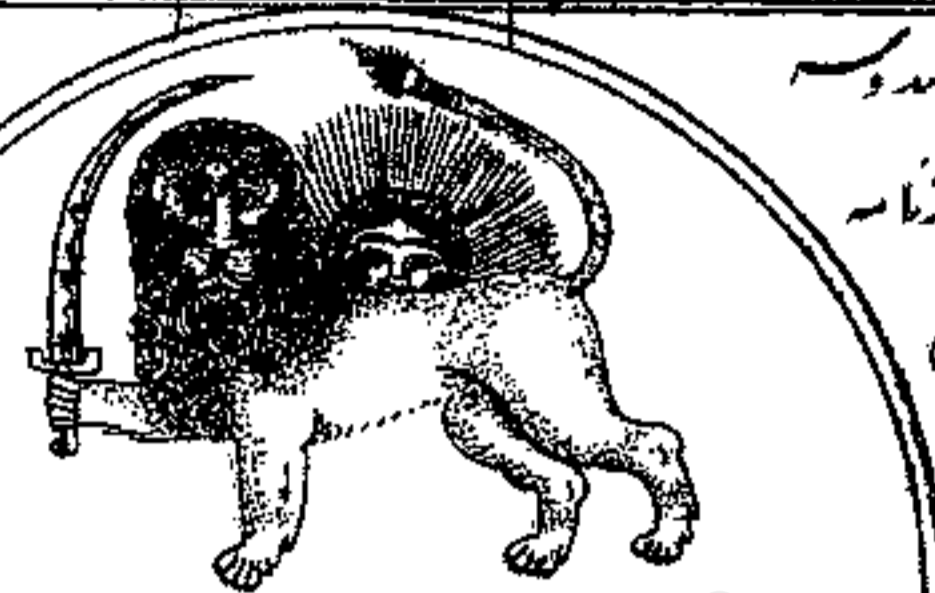
۲۷۲۱

خلافت امام حسین علیه السلام زده شده یکطرف آن کله توجید و طرف دیگر امام حسین در روی نقره و سوا
 اینها نیز بعضی لباسهای ارنا و ط پیدا شده و این شخص کفل او فلان نام خیلی از اشیاء مسروده را جابجایی
 نشان داده و لکن اشیاء را از کجا و از کدام ولایت و زدی کرده و آورده است نشان نمیدهند از
 جانب صبیطه اعلام شده است که بر کس مالک این اشیاء است آمد نشانی میدهد و بعد از تحقیق ثبوت
 مال خود را تصاحب نماید (دیگر نوشته که چون پول مس بجهت تسهیل معاملات جزوی زیاد در کار است
 سابقا از جانب دولت عثمانیه قدغن شده بود که زیاد تر از صد و شش پول مس بخارج ببرند بعضی مردم
 طمع کار بجهت نفع خود باز پول مس کلیه جمع کرده و مخفیتاب بر مالک عثمانیه فرستاده بودند اینمعلوم
 شده و پولهایی که گرفته شد صبیطه خزانیمول گردید ولی چون بخر احکار جزوی دیگر از این عمل مستفاد نشود
 بجهت اینکه بجای جلو این کار گرفته شود بعد از این اعلان کرده اند که اگر این اشخاص بعد از این باز پول مس
 بخارج ببرند هر کس مطلع شده بگیرد یا خبر دهد نصف آن پول بان کسی که خبر داده است داده میشود و
 دیگر صبیطه دیوان خواهد گردید) (دیگر از فرار یک از روزنامه های فرنگستان نقل کرده اند سید ماسیلیا
 حبه جنوبی مالک فرانسه واقع است سابقا بندر کاهی فی انجلیت بر بود و بسبب اینکه هر جزوی در آنجا بوج
 دست میداد بجهت کثرت عبور و مرور رفته رفته اعتبارش زیاد از سابق شده با لفع از مال تجار فقط
 صد و سی و پنج قطعه کشتی بخارج در لکرگاه آنجا همیشه موجود است و توقف دارد) (دیگر نوشته اند که دو سال
 قبل ازین از اسلامبول باسکندریه و از اسکندریه بباب المذنب ساختن یک خط سیم تلفراف از جانب
 دولت عثمانیه اراده شده و امر ساختن آن بیک مجلس قومیته انگلیس مع الامتیا ز سفارستش شده بود
 در این اوقات از جانب دولت انگلیس راه تلفراف مزبور منظور شده است که متصلا از باب المذنب
 یکی از لکرگاههای هند که در بندر قرش واقع است کشیده شود و کذا که از آن دریا نیز سیم تلفراف
 بنا گذاشته اند بکنند و درین باب تا پنجاه سال در هر صد تومان سالی چهار تومان و نیم نفع برای هر کس
 که مایه بگذارد از جانب دولت انگلیس بقومیتهایها اعلان کفالت گردیده است) (دیگر از فرار روزنامه های
 پرتسیه در این اوقات در بحر بالیک طوفانی بسیار شدید روی داده آنچه تا کنون معلوم شده است
 در یک طوفان سه قطعه کشتی بخارج رگشته و غرق شده و امانی کشتی از تجار و سیاح و غیره کلا غریق بحر
 فنا شده اند و در سواحل پرتسیه در لکرگاههای تونین و بوس نام

۲۷۲۲

خیلی خرابی بطور رسیده است

روزنامه مفایح اتفاقیه پنج یوم شنبه زو ششم ربيع الاول مطابق سال یوسکس

منطقه دارالخلافه طهران		نمره چهارصد و سه
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر سطر ده		پرنه ده شاهی

اجارواحد مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

چیزی که باعث ترقی دولت و آبادی عت و ملک است و عملاً و حکماً در آن غوره تا عمل کرده اند و کتابها نوشته اند و بجزر نیز ملاحظه معلوم شده است اولاً در تجارت و زراعت و صنایع و معادن ملاحظه شده است هر دولتی که تجارتش زیادتر است قدرت و قوت کوشش از سایر امیرت است اینها که دولت خارج میکنند نتیجه عمده آن حفظ تجارت و رواج امر تجارت و زراعت است در مملکت ایران که عادل بیاع کرده زمین است و همه چیز در آن عمل می آید و باندک مراقبت می توان مطمئن شد که عمل تجارت ایران سمت برتری و مرتبت بر اغلب دول روی زمین خواهد بسیار بنید بهیچ وجه من الوجوه این کیفیت مافات شده و کمتر مردم میدانند که تجارت در نفس الامر واقع چه چیز است در رواج آن منوط به کیفیت است بعد از آنکه این مسئله با طرافها خوب ملاحظه شد تجارت متمول و رعیت آباد و پول و افزوده دولت قوی خواهد شد علاوه بر این همین قدر تجارتی هم که در مملکت ایران متداول است پاره عوارض و اتفاقات نسبت بحالات تجارت علی الخصوص در آذربایجان طو کرده که اگر امر بین و تیره ستمتسم رساند طوی نخواهد کشید که از تجارت و تجارت فقط اسم ملازم در ایران باقی خواهد بود که تفصیل آن مناسب نگارش روزنامه نیست و همچنین عمل صنایع و زراعت و معادن تا ایران در مملکت ایران توجه خاصی بان نشده است چه بسیار چیز نیست که از دول خارج با ایران می آورند بعضی ملاحظه مثل آن میازند که نمیتوان تشخیص داد کدام یک کار ایران و دیگری عمل خارج است و چون این واردات صنایع از ابطر و طور خارج تحصیل کرده اند و اطلاع بدان ندارند مشتت تمام از عمده صنایع بر می آیند

۲۷۲۳

بعضی چیزها هم هست که با حصول اسباب لازم ساختن آن بسیار آسان است و در ایران نمیتوان ساخت
 و پولهای گران با زحمتهای زیاد صرف آوردن آن چیزها با ایران می نمایند و چون با اینها صنایع کارخانجات
 و آوردن صنایع هنوز منافع بزرگه اند و فواید آن مجهولند است اهل تجارت و اربابان کنتایل آن
 شده اند که کارخانه صنعتی تجرید جلب نفع خودشان ایجاد نمایند یا از خارج تحصیل کرده بیاورند
 نفع آن را خودشان برده بکنای در دولت و مملکت تجرید خودشان حاصل کنند امر معدن مس که
 بسیار عمده و مهم است و دولت و رعیت منافع زیاد از آن میتواند برد و در مملکت ایران از هر قسم
 موجودات الی الان اعتنای کاملی بآن نشده است در این اوقات که قرار جدیدی برای امورات
 کلیه داده شده است از برای رواج و مراقبت این سه امر عمده آدم کافی کاروان با اسب
 لازم است که عموم تجار و اربابان صنایع و کارخانجات و معدنچیان داخله و خارجه اورش باشند
 و باطلاع و صلاح و صواب پیدا و در مقام ترقی و انضباط امر مخصوص خود برآیند لهذا امر اینکافان محمود
 میرنجه و جنرال اجوان حضور مبارک بایون باقتضای رای جهان آرای اعلیحضرت احدس شهبازی
 خلد اندکله بریاست این چهار که هر چهار مربوط و لازم و ملزوم است با یکدیگر برقرار و مقررت که نقل تجارت
 ایران در هر جا باشند امورات خودشان را کلیه و جزئیه با و رجوع نمایند در هر نقطه و روزی که
 مش رالیه بعد قرار خواهد داد اشخاصی چند به تعین خود مش رالیه حاضر شده چهار چماعت باریس خود
 نشسته امورات و مطالب خود را ذکره نمایند هر نوع تقویت که برای آزادی و پیشرفت امورات
 زراعت و غیره لازم باشد فزنت کرده بنظر مبارک شاه شاه دین پناه برسانند و اجرای آنرا
 مقصود ازین قرار داد این است که تجار و رفاقتی بخواهد در کمال لطیفان و چمیت حوس مشول امورات
 و روز بروز ام تجارت در ترقی بوده هر کس فرآور حال خود ازین منفعت و غیرت بهر باب شود احکام صحیح
 حکام مالک محروسه و کارگذاران که کما بنا و بنا و صادر خواهد شد که روزنامه صادر و وار و امتداد
 و خارج کرک را علی الاقتال صحیح و بی عیب و بدون اعلتب برای رئیس ارسال دارند و آن روزنامه محمود
 مستبرین باشند مگر کما بنا باشد که احتمال اهل و خلاف و تقریط در آن نباشد و برسانی که آن در معادن
 مشول کار کنند و آنهایی که عالم بعلم معدن هستند و میدانند که در فلان جا فلان معدن است شفا با
 کتب و ابشار رالیه اعلام دارند در صورتیکه تحقیق و معنی داشته باشد کمال تقویت در کار کردن معدن
 باشد

۲۷۲۴
 لی برای تهریگان
 را یک کار سبزی است
 نص شده است

و انعام و خلعت پدید آید کند معدن داده خواهد شد چون سابق بر این در جالی که معدن بود در غایب
و اوقات حوالی آنجا بودیم آنکه مبادا نسبت با نجاتی و ظلمی شود پنهان میباشند موافق این روزنامه
بجای حکام و ولایات اعلام میشود که بجای اطلاع بدینکه در قریب هر یک دو ولایتی که معدن یافت
میشود و بقدر دنیاری با آنها ضرر میرسد و زیادتی نخواهد شد و یکتقراری اجرت گرفته نخواهد شد
اگر معدنی تازه در ملک کسی پیدا شود موافق تصدیق اهل خبره حق الارض آن داده خواهد شد و اگر عطله
لازم باشد اجرت داده میشود و با محتاج قیمت و تغییر وقت خرید خواهد شد که در حقیقت سبب
آبای آنجا خواهد شد باید درین خصوص کمال لطیفان را داشته باشند و بالفرض اگر از ما مورین که بجهت
از معدن نامور میشوند زیادتی نبود مراتب را بقرت آنجا کان مشارالیه نویسند با ما شرین چایار خانه
نفرستند تا رفع تعدی از آنها بشود و بیبا شرین چایار خانه هم موافق همین روزنامه اعلام میشود که هر وقت
از رعایا نوشته داده شود بدون تأخیر مشارالیه القاد دارند و اگر احوال کنند مورد مواخذه شدید
خواهند شد (نظر بفرم حضرت و عنایت شاهنشاهی و ظهور رفت و عوطف علیحضرت خلافت پناهی
صان الله شوکه عن التناهی که در باب یکی رعایا و برابری و خدام در بار شوکه اردو الادعمال ممالک
وسیع الارجامر کوز خیمه غیر ملوکانه و مرموز خاطر آه سس شاهان است علی الدوام تمت علیه منیر حاتم
بتمیبه قواعد امن و امان و تا کید قوانین سالیس جهان مصروف و انظار مهرانا با عداد اسباب این معصوم
معطوف پیش و دقایق و نکات و علل و جهات این نیت حسنه را در انظار محوط و منظور و غیره موفور میفرمایند
از جمله معظمت و داعی و معدآت رفاه و آسایش عامه ناس که وجه رسم بی فایس علیحضرت شاهنشاهی
این است که قاطبه طبقات خلق از زواید قیود و غلایق و پاره مخارج مالایق احترام و قدر واجب رعایت
و شخصیات را احراز نمایند و بار کتاب بعضی تکلفات و التزام ماره ملاحظات که شرعا و عقلا و عرفا
و بوجاهت خاتم محموم خود را به مالک اسراف و تذرین ندارند و مستلای سوء تصرف و تدبیر
سابقا نیز منظور نظر بایون شاهانه در ضمن روزنامه بطور اجمال درج شده بود این روزنامه که از جانب
علیحضرت شاهنشاهی ابدا تمیث و آید همیشه نیت حسن و اراده آسنی در اجرای لوازم این معصوم و سبب
تجدید ذکر را قبل از صد و رانم قدر قدر کس که مقام حتم و ایجاب خواهد یافت لازم دیدیم بیاید عموم
خدام در بار سپهر مدار و کافه رعایای دولت جاوید قرار از زواید محتاج اجتناب و قدر ضرورت

۲۷۲۵

اختیار و انتخاب نمایند عموم و احاطه رقت و عطف شاهنشاهی خلد الله تعالی سلطان و ایداع و اعراض
 این است که در تاسیس بیان رفاهیت و امان و تسهیل امر معاش عامه اهل ایران قواعد جدید مستحبه موضوع
 و مقرر فرمایند و هم علیه سر و آه را با جزا و امضای آن متوجه دارند غنیمت بعد از آنکه قواعد مرقومه زیور
 اعلیحضرت شهبازی ارسته شد در ضمن روزنامهها گنجانیده خواهد گردید (عالیجاه مقرب الخاقان حسینخان
 سرتشاهسون که ناظم امور چهارخانهای ممالک محروسه شاهنشاهی است در خدمت محوله خود سی و هفت
 بعل آورده در روز عرض سان غلامان عالیجاه محمد صادق خان یوزباشی که سپرده راهب است خدمات
 او در خاکهای عالیون اعلیحضرت شاهنشاهی موقع قبول یافته با عطا بیکتوب چیه ترمه کرمانی سرور و در

سایر ولایات

در پاجان از فرار روزنامه دار سلطنته تیرزانی و رعایای دار سلطنته تیرزانه تعالی بامش
 و رفاه دعای دولت روز افزون اعلیحضرت شاهنشاهی را خلد الله تعالی و سلطان و روز شام و صبح و سرت
 سود و صلاح خود میداند نواب و الارکن الدوله کشمیر میرزا در این روزها که احکام عالون معرفه
 کبری بجهت نواب مغری الیه شرف صدور می یابد در رتق و فوق و احقاق حق و اجرای او امر علیه نهایت
 مراقبت دارند و یکی کار گزاران مملکت از پاجان در اشغال مخصوص خود ساعی و مجاهدینند (در امور تجارت
 و بعضی از تجارتخانهها اختلافی بدیده چند نفر از تجار مدعی حسارت بوده اند این روزها که هم علیه
 ملوکانه بنظم امور تجارت متعلق و فراری شایسته در باب امور تجارت معترف و محقق شده است البته از میان
 نواجات اعلیحضرت شاهنشاهی من بعدتاد و اختلافی در این ماده واقع نخواهد بود و در واج و نطق کامل
 و امور تجارت حاصل خواهد شد) (در باب ترقی اسعار از فراری که نوشته بودند نواب و الاحباب
 مملکت از پاجان بمقترب الخاقان میرزا فضل الله خان بیکر بیک معترف شده اند که برای اجناس قیمت عادل
 تعیین نموده مراقبتی لایق درین باب بکار برده و بعد ازین مراقبت فی الجمله تزلزل و انحطاط در اسعار بهم رسیده است
 ولی اسعار وقتی اعدال خواهد یافت که در صادر و واردات و ماکولات و منع و تنگی کسانی که علی غیر العاده بنجارج
 رفت و اتمام بیشتر نمایند **سان** از فرار یک در روزنامه مشهور قدس رضویه علیه السلام است
 و التجه نوشته اند نواب الاحسام سلطنته والی مملکت خراسان بدلول قضایا محمول احکام عالیون بنظم امور
 شعور استعال دارند و مقرب الخاقان میرزا محمد قوام الدوله پیشکار مملکت آن در خلاف شرایط حدت محوله کمال مراقبت عملی

۲۷۲۶

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه های فرانسه در ایام ناپلیان بزرگ که پنجاه سال قبل ازین ایام بود در یکی از محاربات
 که ناپلیان در عمارتی بود در دربار آن عمارت یک نفر قراول کذا رده بودند و از صاحب منصب آن قراول
 یاد حکم شده بود که کسی را نگذارد داخل آن عمارت بشود چون ناپلیان بجهت تفتخ و رسیدگی باحوال
 قشون بلجاسن تبدیل بیرون آمده کردش میکرد وقت مراجعت قراول مزبور او را مشاهده ساختند راه نداد
 که عمارت برود ناپلیان خواسته بود بزور داخل شود قراول تفنگ پیشش نمک کرده در صد درون
 ناپلیان برآمد بود در این بین صاحب منصبان قشون خبردار شده قراول را از عمارت منع کرده ناپلیان داخل
 عمارت کردید بجهت پاس نظام قراول مزبور خوش آمد و بدین مودیک قطعه نشان افتخار باو اعطا
 کردند آن شخص تا این اوقات مانده درین روز که اعلیحضرت امپراطور فرانس کشتی سازخانه شرلوپ
 تشریف میبردند عیاد کردی فرانس در مجرای امپراطور صف کشیده بودند قراول مزبور در پیشش ایستاد
 در روی کلاه خود باین عبارت که اگر امپراطور هم باشی داخل نمیتوانی شد چیزی نوشته چنانکه بود
 اعلیحضرت امپراطور با او سخن گفت این معنی را کرده احوال سابق او را در ایام ناپلیان بزرگ مخصوصا
 بودند بعد از اطلاع معاشی بجهت او مشخص کرده و رتبت او را نیز ترقی دادند (دیگر از قرار روزنامه های
 نوشته اند در یک انگلیس و ایرلند در نزدیکی سواحل استرلینگ است اگر چه بجهت سفایر بیست و چهار
 در سواحل آنجا موجود است ولی از اینکه دایم الاوقات سه هزار کشتی و پنجاه کشتی قریب سواحل مزبور حرکت
 میکنند یک طوفانی که ظهور میکند خیلی ازین کشتیها بجهت داخل شدن بلنگرگاه سقط میشوند چنانچه درین سال
 زیادتر از سالهای دیگر سفایر در آنجا شکست و غرق شده است بطوریکه در مدت هفت ماه هفتصد و
 هشتاد قطعه سفایر تجاری در آنجا شکست و غرق شده است) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود
 که ملک اسپانیول بجهت تبدیل آب و هوا و تقویت احوال مالی و رعایای مالک خود بیست مالک جنوبی
 غایت نموده بودند از قرار روزنامه اسپانیول که این اوقات سیه است درین غایت ملک مزبور بجهت
 ابرار کمال تشکر و خوشنودی بجهت آنکه دارد شده اند مالی آن محل شلیکها اجری کرده و ضیافتهای سنگین
 داده اند و نیز نوشته اند که ملک مزبور بیشتر بر اعور که وارد شده اند اراده کرده اند که حصاری شمن بر روی
 در دوران شهر کشند و حتی که دور شهر مزبور حصار کشیده شود از آنکه نوشته اند یکی از شهری مشهور روی زمین

۲۷۲۷

از قرار روزنامه‌های فرانکستان ماکلیک سیکره عبارت از بیت و ایالت است و امالی بهر ایالتی
 مورد اخذ خود را بر وجه استعلاکت میکند اندک قطعه بجهت مذکوره که در مجلس جمهوریته برای کلیات قنات
 لازم می آید بنا بر عادت قدیمه از امالی هر یک از این ایالات یک نفر با انتخاب مجلس فروردین معین شده در ابتدا
 چند ماه که مجلس جمهوریته مفتوح است این اشخاص اعضای مجلس فروردینند و معرفت آنها مواد فتمه بحری میگرد
 و درین مدت صنوف عسکره بلا معاش خدمت مینمایند و مصارفشان بسیار کم منظور میشود در وقت
 اعضای فروردین مجلس جمهوریته ساعتی ده پزار و نیا تخمینا خرج راه و پوسه زده هزار دینار و مادام که در
 مجلس مشورت باشند یوتیه و تو مان با آنها داده میشود و معاش نامورین آنها چهل تومان تخمینا
 و مصارف رئیس جمهوریته بدو بیت تومان میرسد حتی بجهت اینکه مصارف زیادند داشته باشند در
 هیچ دولتی از دول خارجیه یا قنول ندارند در این اوقات مدت ریاست رئیس جمهوریته سیکره
 انفصال یافته جناب پو استغلی را رئیس جمهور و فری نام شخصی را مستشار رئیس جمهور انتخاب کرده و در
 روزنامه‌های خود نوشته اند (دیگر از قرار روزنامه‌های رسیده از وقتی که اهل حضرت امیر اطور روس
 تحت امیر اطوری جلوس کرده اند تا کنون در هر یک از مالک تحت حکومت خود ترشید منحصبت
 کسب و کار را مراقب بوده و اهتمام فرموده اند و باین جهت در جنبه مجال مالک رسیده کارخانه‌های بزرگ
 و محاسن قومیان تازه براه افتاده است از جمله بجهت بافتن کتان و ابریشم مخصوصا براه و اوز و طیار
 و اذن یک مجلس قومیانیه ترتیب داده اند) (سابقا در روزنامه‌های فرانس نوشته بودند که از
 پنج بسیار بیگانه ملک فرانس آمده و بشهر و دونه برول کرده بودند بموجب روزنامه که این اوقات
 رسیده است این طغما در آنجا چریده و مزد و عات آنجا را بکلی خورده و خراب کرده اند نوشته اند که
 اگر جلو این طغما گرفته نشود و در آنجا تولد و تناسل کرده زیاد بشوند از اینکه آنجا بسیار حاصل آرد است
 و منافع بسیار از محصول آنجا بدولت و رعیت عاید میشود پنج بکلی خراب خواهد کرد و حاصل بواسطه این
 بعل نخواهد آمد امالی آنجا درین سال بسیار قسافت بوده اند) (از قرار روزنامه رسیده در راه آلمانی که از سیبیلیا به بلین می آید
 پرستیه اند و میشود بنا بر عادت اولو که از آنجا بشهر بلین می آید شخصی بصورت خدمت پو خایر بلین می آید چنانچه از آنجا
 صفحه تذکره بشم پسته خانه درست کرده براه آلمانی امانات پسته خایر را متعلق کرده و گفته است که کسی بجهت سیبیلیا
 برلین می آید و باین چند فریب صد و بیست هزار تومان امانات پسته فاخر اخذ کرده و فرار نموده است

۲۷۲۸

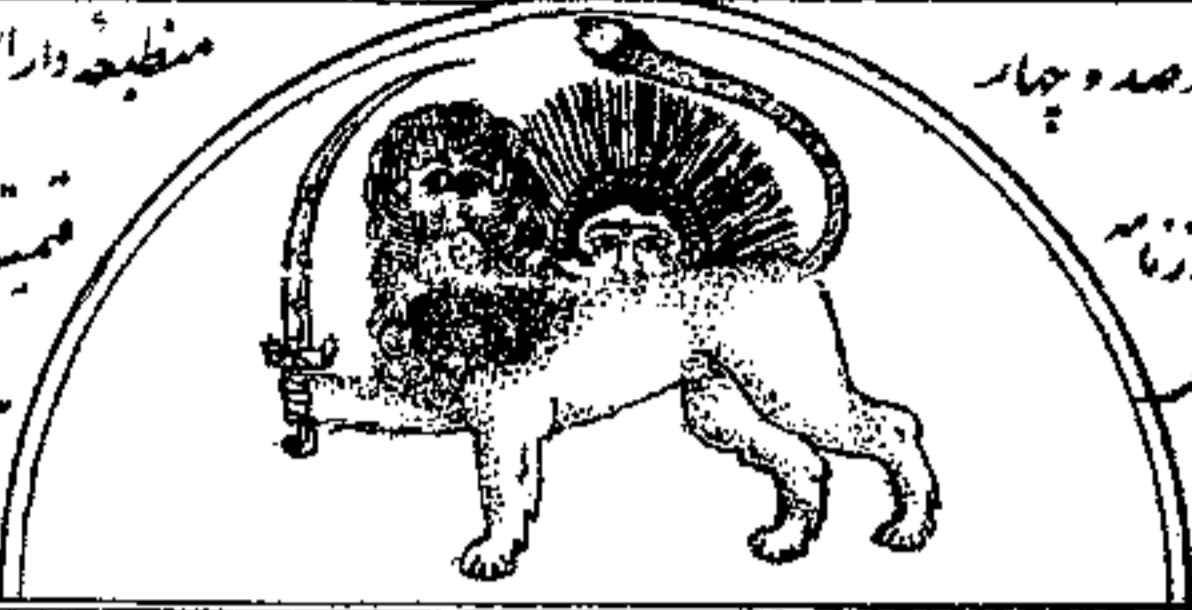
اعلان
 در روز دوشنبه ۱۴۰۰
 و جمعه ۲۱ در سفارت
 دولت بلژیک
 بسیار خوب و مرغوب
 از قبیل ظروف حسنی و غیره
 و بلور و آب خاند و صندل
 و غیره و غیره به ارج میشود
 هر کس خریدار باشد در روز
 مزبور در آنجا حاضر شود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۳۱۵

منطقه دارا اختلاف طهران

قیمت روزنامه پنجاه شمشیر

قیمت اعلانات بر هر خط در هر روز



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا اختلاف طهران

باقضای مکارم اخلاق و مرام و اشتقاق که مجبول ذات ملک صفات اعلی حضرت شاهنشاهی
عکس و سلطانه پیا شد و سوار و خمیر غیر فد لویه البروج شریعت عرا و اعلای رتبت علمای
مصرف بیفرمانند و در موجبات تعظیم و تجلیل شرع معس و تشویق و ترغیب علمای اعلام گزیده
امثالهم و قیصر املغی نماید روز پنجم بیستم شهریور سال اول منزل جناب شیخ العلماء حاج
ملا صادق رشتی و جناب آقا میرزا محمد مجتهد تبریزی سلمها الله تعالی شریف قدم هالیون
مبدول دلو از م رافت و عطفوت را در باره ایشان معمول فرمودند جناب آقا میرزا محمد مجتهد و
فضل چون در خانه مقررت انجاقان حسین خان نظام الدوله منزل داشتند مقررت انجاقان شارلیه
باقضای آداب عاگری و مراسم ارادت باین تعصیل بحضور هالیون پیشکش تقدیم نمود عالیجناب

۲۷۲۹

ناب زرمه سبکین چه اشرف و چه اراد حارس و یک لاله سلیمان خندار چه در هر یک یک
پای انداز مبارک یکصد عدد و تاجیان

علیخان پسر مقررت انجاقان شارلیه را که شرف آمد و حضور هالیون کردید مورد مراسم
فرموده نوید تربیت و عنایت و منصب و رجوع خدمت فرمودند و در منزل جناب حاجی ملا صادق
رشتی هم از جانب امیر الامراء نظام عمید الملک عکرم ان کیلان پنجاه تومان پیشکش و یکصد و شالی ترمه
پای انداز شده در معبر موکب فروری کوکب هالیون نیز از جانب انجاقان معضله تقدیم پیشکش حضور

بدر نهوجب معلوم

معریت محققان میرزا زان سوز و ایر سر مستقرت الحاقه و العصاره جنان حکم عالیجاه آقا محمد
و دیوان سابق

دکتر ۱۱۸۷	کار بنات	۱۱۸۷	کار بنات	۱۱۸۷	کار بنات
عدد	عدد	عدد	عدد	عدد	عدد

نظر نجاسن میت و میا من ارادت علیه طوکانه که در حفظ رسوم ملک و ملت و تعظیم شعایر دین
 دارند عید ولادت و افر سعادت جناب خنی تا سبب ارکا از خطه اعیان و عظیمه متضمن برکات عمیده
 همه ساله توفیر و اعظام دلوازم جشن و سرور را در این روز مراقبت تمام میفرمایند و روز هفتم
 ربیع الاول بر حسب امر قدره را در سس شایسته ای سلام عام منعقد و تمامی ائمه دارکان و
 واعیان دولت ابد مدت لبرف زیارت حال مهرشال طوکانه سر اوزار و مستعد آمدند و
 روز جناب امین الدوله را به خطاب مستطاب نامه سر بلند فرموده از میا من و برکات این
 سعید جواهر الفاخر اسکک تقریر بلاغت معصیر کشیدند از فرط عنایت و توجه طوکانه و مر
 پکران شاهانه که در باره جناب امین الدوله دارند محض از راه مرحمت و مریز مکرمت جناب
 مغزی الیه را با عطای یکثوب جبه ترمه لا جوردی سنگین که از طلبس مخصوصه وجود هالیون
 قرین مباحات و اعزاز و تخصیص و امتیاز فرمودند (چون جناب افادت و افاضت نصبا
 شیخ المشایخ العظام شیخ عبد محسن مجتهد و رعیتات عالیات بدعا کونی وجود مبارک استخارا
 داشت و در تقریر روضات مبارکات حد و جهد و اهتمام بلیغ نموده بود لهذا بقضای تو جهات
 کاطه طوکانه یکثوب عبای ترمه از جامه خانه خاص از جانب سنی الحجاب هالیون اعلیحضرت شاهنشاهی
 خلد الله ملکه و سلطانه برای جناب مغزی الیه مرحمت و ارسال کردید) (چون امیر الامراء العظام
 علام حسین خان سپه دار حاکم کرمان در انتظام امور ولایتی و انجام خدمات دولتی و تانین
 و معا بر و تحویل موجبات اسودکی رعیت مراقبات کافیه لعل آرد و بود خدمات او در خاک
 مبارک مستحسن مقبول افتاده مواری یکثوب کلبه از طبوس بدن مبارک بقشر لیب او رحمت کرد
 و چون جناب افاضت و افادت نصاب حاجی سید جواد امام جمعه کرمان از خطه دعا کونان
 خاص دولت جاوید آیت است محض و نور مکرمت خطه خطیر طوکانه مواری یک قصه عصای سر
 از جانب سنی الحجاب هالیون در حق مغزی الیه مرحمت و انقاد کردید همچنین نظر لبره محاسن

۲۷۳۰

اینها مات خباب فضایل و فواصل نصابت آقا احمد مجتهد کرمان در نشر علوم و تفسیر دعای دوام است
 روز افزون مواری یکثوب عظامی دور رسیده در حق او رحمت و انعام گزیده (چون مقرب الخضره العلیه
 میرزا احمد مستوفی و وزیر کرمان در انجام خدمات مرجعه و وصول و ایصال ایلیات ساعی مشکوره بعمل
 بود مواری یکثوب جبهه ترمه برسم خلعت در حق او رحمت و عنایت گردید) (چون مراتب حسن
 خدمت و فرط کفایت مقرب انخاقان احمد خان در باب یکی حاکم بوشهر بعرض خاکپای همایون سرکار عالیحضرت
 شاهنشاهی خلد آنکه در سلطانه رسیده طرز کار دانی و اهتمام او در اسطام و انضباط امور انجمن و
 زاید الوصف مستحسن و مقبول افتاده بود لهذا یکثوب کلچ از طبوس بدن مبارک برسم خلعت با نقاشی
 عالیجاه مشارالیه رحمت و ارسال گردید) (نظر به اینها مات مقرب الخضره العلیه میرزا احمد علیخان حاکم
 لاهیجان در انجام خدمات دیوانی یکثوب کلچ از طبوس بدن مبارک برسم خلعت در حق او رحمت گردید
 نظر بطور اینها مات مقرب الخضره العلیه محمد خان کلانتر دارالخلافه که در لوازم خدمت محکم بخود
 ایامی که موکب جهانگشا شریف فرمای شسیران بود بعمل آورده بود و خدمات او در معرض حضوره
 موقع قبول یافت با عظامی یکثوب جبهه ترمه خلعت و سرافراز گردید) (چون مقرب انخاقان حسن علیخان
 سر تپا فوج کروس و خیرالاجودان خاصه حضور همایون اوقاتی که موکب همایون در سیلاب سیاه
 شمیران شرف اقامت داشتند بتوقف دارالخلافه و محارست عمارات سلطانی و مراقبت امور
 حضرت تاشرو فراول خانهای شهر نامور بود و خدمات او در مدت خباب موکب اقدس عالی مقام
 قبول یافت لهذا همگامی که بمقر خلافت نزل جلال میفرمودند مقرب انخاقان مشارالیه را بنوازش
 حسد و انعام و با عظامی یکثوب جبهه ترمه کرمانی سرافراز نمودند) (مقرب انخاقان امین لشکر انجمن
 که باین منصب جلیل سرافراز است در تقدیم لوازم این مهم خطیر منتهای صداقت بعمل آورده و در وظایف
 خدمت مقرر و کما فی ذلک ساعی و جاهد بوده است لهذا این اوقات که در وضع پیشکاری در بارگاه
 حکم جهانمطاع و اراده رومی صواب نمای پادشاهی تغییر داده شد تجدید رحمتی در حق او لازم دیدند
 با عظامی یکثوب جبهه ترمه کشمیری سرافراز نمودند) (عالیجاه جانمحمد خان سر تنگ فوج خلیف
 در تقدیم خدمت و سرپرستی فوج خود منتهای مراقبت ظاهر داشته بود و ازین جهت در حضرت
 اقدس ارفع عالی سزاوار عنایت و رحمت آمد لهذا مشارالیه را بمنصب سیرسی از مرتبه سیم از

۲۷۳۱

فرار فرمان مبارک سرافراز نمودند) (مقرب الحضره العلیه میرزا صادق خان سرینک فوج جدید
شعانی که با فوج خود اوقات اقامت سیلاقات شمیران در رکاب همایون ملزم بود در امر قراولی خود
فوج و نظر آنها کمال اهتمام بعین آورده و خاطر مبارک را از حسن خدمت راضی داشته بود لهذا یکتوب
جبه کرمانی برسم خلعت باو رحمت و عنایت فرمودند) (عالیجاه میرزا کریمخان سرینک فوج سواد
که می که همیشه و اول خاصه عمارات مبارک و خزانه عامه است اوقات غیاب موکب جهان کش
محاربت و محافظت لازم جد و جهد بعین آورده بود لهذا با عطا، یکطا و شال ترمه کرمانی سرافراز کرده
(عالیجاه علیقلی خان نایب اجدان باشی که اوقات اقامت موکب فروری کوکب در سیلاقات شمیران
صراه مقرب الخاقان حسنعلی خان سرتیب و جنرال اجدان مأمور اقامت شهر دار اختلافه و
انجام امور آب عسکر بود چون حسن خدمات ظاهر داشته بود لهذا با عطا، یک طا و شال ترمه
کرمانی سرافراز و قرین افتخار گردید و همچنین عالیجاه میرزا قاسم خان سرینک فوج فروری کوکبی
که مأمور قراولخانه های شهر بود در نظر کار و خدمت وقت شایسته بعین آورده بود مسمول عطا
و با عطا، یک طا و شال ترمه کرمانی مخلص گردید) (عالیجاه جبرئیل خان نایب اجدان باشی که اوقات
وقت موکب همایون در سیلاقات شمیران ملزم رکاب همایون بود نظر خدمات لایقش را
یکطا و شال کرمانی از جانب سنی ابجانب پادشاهی باو رحمت شد) (عالیجاه محمد رضا یک سر
تو چنانچه هم که از ملزمین رکاب همایون بود با عطا، یک طا و شال کرمانی سرافراز گردید و همچنین عالیجاه
یا ورد و کیل باشی کل افواج بسم که حضراً و سفر ملزم رکاب همایون است در اوقات اقامت بنیادان
هم باندازه لیاقت خود مصدر خدمت شده بود با عطا، بیت و پنج تومان مهمت خلعت سرافراز کرده
(محمود آقای معلم چون در شرایط خدمت مرجعی خود اهتمام تمام بعین آورده بود سی تومان و نقد
برسم انعام او رحمت فرمودند) (عالیجاه مقرب الحضره العلیه میرزا مصطفی شکر نویس در وقت
و سرشته کیشکانه مبارک که طرهای دقت و امانت بعین آورده بود در عرض سان غلامان هم مرتب
لیاقت و امانت او کماشینی معلوم حضور مبارک علیه حضرت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه افتاد
لهذا محض مزید اعتبار و افتخار شایسته را با یکتوب جبه ترمه کرمانی بافتخار او رحمت فرمودند) (عالیجاه
فدو الفارخان سر کرده سواره جمعه که در سفر مرو با سواره ابویجمعی خود حضور داشت چون

۲۷۳۲

معروف خاکپای مانون افتاد که خود او بنفشه در مقاعد ترکها آنها را جلالت ظاهرا هر کرده اسب سوار
 او بکلوا افتاد بکرس اسب سواری هم باو محنت شده است اخبار دول خارجه از فرار
 روزنامه جریده الحوادث اسلامبول از کشتیهای قیپانیه پاپانی کشتی ایا صوفیه نام که از بندر
 لورپول انگلیس با سلامبول آمد و شد میگرد در انشای راه بجزیره شیره برخورد از امانی بعد از آن
 رتی قوما فاطمه کوزن نام سوار کشتی منور شده در حین ورود با سلامبول صندوق اشیا
 او را بکمرک غلطه سرون آورده بوجوب نظام کمرک خانه که باید هر چیزی در کمرکخانه معاینه دید شود
 تا که او دریافت کرد دزدان مزبور به یکی از خدمه کمرک اظهار کرده بود که صندوق مرا باغشید
 با نظور سر بسته باشد و تومان کمرک او را میبسم ازین حرف شبهه بابل کمرک دست داد
 صندوق او را کشوده دیده بودند دو مرتبه است و در مرتبه ستمانی مبالغی اوراق قلبت بجای پول
 داد و ستد میشود ظاهرا هر شده بود بضعفه مزبوره رانی بحال محبوس نیز و ضابطیه فرستاده بود
 (دیگر از فرار روزنامه فرانسه اعلیحضرت امپراطور فرانسه بار و خود بعد از حرکت از بندر
 شربورن بعضی مالک غربی فرانسه را کراش کرده اند و بهر محلی که وارد شده اند از جانب مالی
 انجام اسم استقبال شایسته بعمل آمده آنها خوشودی بی شمار نموده اند) (از فرار روزنامه های
 وریندر مشهور پورسموت که در جهت جنوبی انگلیس واقع است در لیکرگاه اولدرنه نام چند وقت قبل
 بعضی استحکامات بنا کرده و روز بروز زیاد کرده اند در این اوقات سجه استحکامات زیاد
 انجام که بچوقت بقلبه مستور نیست گرفته بشود و قرار داده اند که آنها کشتی سازخانه بزرگ بنامند
 (دیگر نوشته اند که جناب لار و پاستون سردکیل سابق دولت انگلیس با عیال خود از جانب
 امپراطور فرانسه دعوت شده لاجل مسافره در این اوقات غربت بجانب پاریس می نجات
 کرده اند) (از فرار روزنامه استریه ایالت وندیک بخت ایالت بزرگ محسب بود بعد از آنکه
 حکومت دولت استریه در آمد سفاین و ستار آنها هر طور بود است بلیکگاه ترسیده نقل مکان کرده
 و صرف همت در آبادی ترسیده نمودند رفته رفته ترسیده آباد و معمور شده و ندیک رو بخرابی بنا
 امانی انجامی در پی بحال سایره نقل کرده و رفته اند لکن در این اوقات نواب پرنس معلیین برادر
 اعلیحضرت امپراطور استریه که ولعهدشان و قایم مقام ایالات وندیک ولومباردیاست اعلان

۲۷۲۲

نموده است که در آبادی و اعتبار و نزدیک ولومباردیا بعد از این اتمام خواهد شد و مجالس قومی
 معتبره در باب آبادی و نزدیک ولومباردیا و نظیر لکرگاه و ساختن راههای آهن از آنجا با طرف
 ترکستان ترتیب داده خواهد شد و این اعلان را نموده اند که اطالی و نزدیک سعادت با ما کن خود میا
 و از جانب دولت استریت نیز در رونق و استحکامات آنجا اقدام بشود (سختی از هنرمندان
 چیزی از مقوا بجهت فروش سقف خانها اختراع کرده است و در پاریس تجربه کرده اند بسیار با فایده
 و صرناست و بان شخص از دولت فرانسه امتیاز نامه داده شده و الان در فرانسه سقف خانها
 و دکا کین را کلاً از این مقوا بنا میسازند) (از فرار روزنامه های استریت در سمت شمالی مملکت استریت
 نزدیک بنگلورس در محل غرقه نام از جانب دولت استریت قلعجات و استحکاماتی ساخته
 شده بود در این اوقات یک قلعه و چند حصار که بعد از سی هزار تومان صرف آنها شده بود در واسط
 نادر و بیجا ناکاه منهدم و خراب گردیده است) (از فرار روزنامه فرانسه چند وقت پیش این
 جهت آموختن علم و هنر با شخص بی زبان کتب فایده مخصوصاً در پاریس برآید آنچه دانشمندان
 جمع آورده در آنجا تعلیم میدادند درین اوقات بمقام امتحان شان آورده اند از آنها در علم طبیعت و
 و نقاشی و کتابت در ظرف مدت معلوم بسیاری ترقی کرده و ما هر شده اند) (از فرار روز
 انگلیس بواب پرس الفرید و دوم اهل حضرت ملک انگلیس از چند سال قبل ازین تحصیل فنون
 سحر میخوانند در این اوقات بمقام امتحان برآمده و در این امتحان بنا بقانون دولت انگلیس
 رتبت ده باشی کری در عساکر سحر شده اند مشروط بر اینکه کونیند شاهزاده ام و اهل در حد
 نمایند در کشتی امپریس نام منصب ده باشی کری از مرتبه دوم منصوب شد و بجهت سیاحت یک
 به یزد و تحصیل فنون سحر به بعد از چند ماه بواب مغزی الیه را بسواحل سیکی دنیا و سایر سواحل روانه
 خواهند نمود) (از فرار روزنامه های جریده الحوادث اسلامبول جناب فواد پاشا وزیر امور
 خارجه دولت عثمانی در ضمن فرض و جوی که از قومیانیه انگلیس خواسته بودند و در روزنامه های
 سابق نوشته شد بعزیمت چند روز اقامت در لندن در این اوقات از پاریس بلندن حرکت
 کرده اند) (ستاره و بناله دار که دونانی نام پنجم مشهور پولی طور او را در آخر غمخس گفته بود و در اینجا نیز
 چند شب ظاهر گردید در روزنامه دوازدهم صفر جریده الحوادث نوشته اند که چند شب استاره غروب
 در اسلامبول در سمت مغرب ظاهر میگردد

۲۷۳۴

روزنامه قایم القایه بتاریخ یوم خمیس بیستم شهر ربیع الاول مطابق سال یونیت

مره چهارصد و پنج

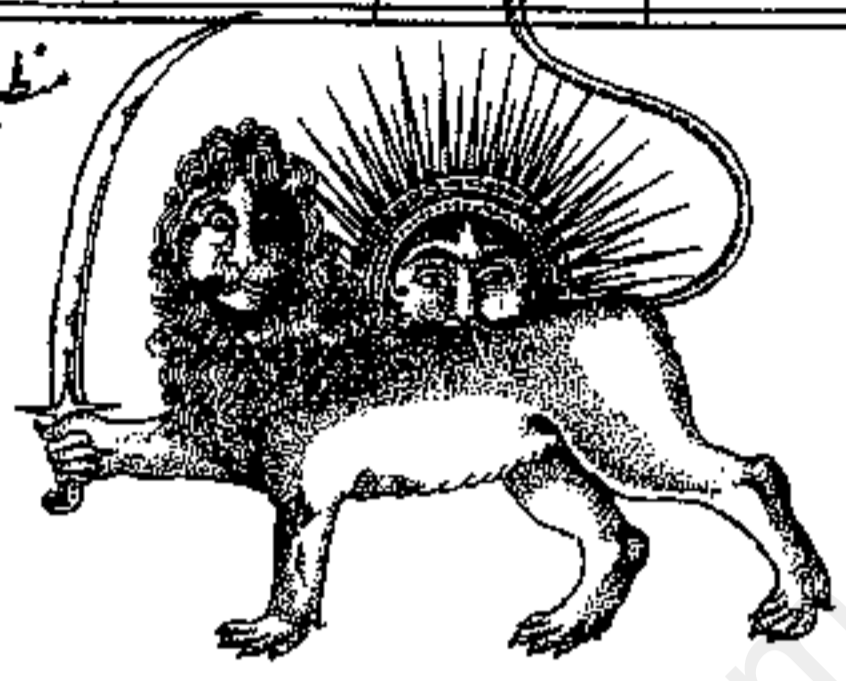
قیمت روزنامه

هر نسخه دینار

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلامات

هر خطره



اجبار واحدا ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

این روز که اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جهان خلد الله لک و سلطانه خیرین و اسی کلیات تمام دولتی را میفرماید و رجال کبار و امنای دربار هر یک در خدمات مخصوصه معینه نهایت مراقبت دارند تا آنکه تعالی امور ممالک محروسه شاهانه در حیرت احسن نظم و ترتیب و رفاه کلی شامل حال بعید و قریب همیشه بعد از تعیین مناصب معینه و رجوع معظمت خدمات رای چنان آرای عالیون شاهنشاهی متعلق بتوجه و عنایت افراد خدام محترم دربار سپهر دارالملوک است که درین مدت با عرض باطله و ملاحظات غیر عاده پیشکار سابق از شرف خدمت و رجوع سخن مخصوص محروم بودند از جمله عمده الامراء العظام مقرب انخافان حسین خان نظام الدوله که از بدو عشر الی الان خدمات بیان نموده تربیت یافته استان قدرشان بوده است منصب حلیل امیر تومانی سرافراز و بین الاکفایین اعزاز و با عطای فرمان عالیون موشیح دستخط مبارک مفتخر و ممتاز فرمودند و کیونکه جبهه ترم کشمیری اعلی مرتبت و عنایت نمودند (جناب فرخ خان امین الملک که مأمور سعادت گبری و معافه عهده مودت با دول جدید العهد بود و بعد از اتمام مأموریت و ایفای شرایط و لوازم خدمت مقرر در احضار و در محض معاودت شده بود این روز که بدو بار معدلت مدار اعلیحضرت سابقان ابد اللد عیسه و اید چشم شرفیاب و از زیارت جمال مدهثال خدیوانه از انواع محروسه شرف بهره

۲۷۳۵

و مورد الطاف و رحمت بجا بگردید چون خدمات و زحمات جناب معزی الیه درین مأموریت مطبوع
 طبع مرحمت نبج اعلی حضرت ظل اللی افتاده بود و خاطر ملکوتی مناظر اقدس خدیوانه که در پاداش
 هر یک از خدمات و دربار سپهر مدار مقیاس عدل است و مقیاس فضل کمال رضامندی از محاسن
 دولتخواهی جناب شایسته داشت امر قدر عالی شرف نفاذ یافت که در لوازم توقیر و تجلیل شان
 رعایتی سبب شود و جمعی را که از معتبرین چاکران درگاه خلافت پناه بودند و از احاطه ارباب علم
 سپاه حسب الامر اقدس باستقبال جناب شایسته مأمور فرمودند **سایر ولایات**
آذربایجان از فرار یک در روزنامه وار استلظه تبریز نوشته اند امالی و رعایای آن ولایت
 بجهت اندر کمال شایسته و امانت بپذیرد دعا گوئی داشتند پس ایون شایسته خلد الله علیه
 بشغال دارند و نواب و الارکن الدوله آرد شیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان بعبایض مطالب
 مردم غوررسی می کنند و چاکران دربار معدلت مدار از میرنجه کمان و شیرستان و سر مکان
 و سایر صاحب منصبان هر روز شرفیاب حضور نواب معزی الیه گشته مطالب را عرض نموده حکم
 صادر می کنند (عالیجاه صفر علیخان سرمنگ توپخانه مبارکه که از دربار معدلت مدار مرخصی حاصل
 کرده بود و اردو استلظه تبریز شده فرامین و احکام در باب احضار توپچی و رسیدگی در امر توپخانه
 و توپخانه مبارکه رسانید نواب و الارکن الدوله اهتمام زیاد درین باب نمودند و حکم احضار **توپخانه**
 در همان آن روز و عالیجاه مشارالیه صادر شد و محصل مأمور گردید که توپخانه را اجبار و زور
 حاضر نماید عنقریب جمع اداری شده روانه دربار معدلت مدار خواهد گردید) (دیگر نوشته اند چون
 در این اوقات جنس گولات قدری تعمیر بهم رسانده بود در اقبه نواب و الارکن الدوله و اهتمام
 معرب الحضرة العلیه بیکری بیکی فی اسلحه تعدی و همب جناس گولات رود داده است و این رکود
 امالی اشجا کمال سکر گذاری و دعا گوئی را دارند) (صاحب منصبان دولت فرست که جناب **الملک**
 بهبهایی عالیجاه زریان خان سربسب فرستاده بود عده ماه ربيع الاول وارد تبریز شده در باب
 شال شزل نمودند از جانب نواب و الارکن الدوله چند خوانچه شیرینی برای عالیجاه فرستادند که
 رئیس آنها بود فرستاده شده از روز ورود الی عنایت دار اختلاف هر روز تقارن میوه و سایر
 چیز در باره ایشان شده و روز مرخصی از حضور نواب و الارکن الدوله بجهت حلقه برای آنها التفات نمودند
 عالیجاه زریان خان یکطافه شال کشیری علی زمر دی عالیجاه فرستادند درین محلی بکطافه شال کشیری

۲۷۳۶

عالیجاه معظمه صنایع بکلیت و شال کرمانی خوب عالیجاه صاحب منصب توخا شمشیر بسیار خوب و در
 (نظر بخدمات سرحد داران خوی بدین موجب خلعت و در حق آنها از جانب نواب و الاریکن الدوله
 القاشد عالیجاه خلیفه قلجان سرحد درجه دو و رسیده سلیمان آقا رئیس طایفه میلان بکلیت و شال
 کرمانی حسین آقا رئیس طایفه حیدرآباد بکلیت و شال کرمانی عباس علی خان سرکرده سواره یستانی
 بکلیت و شال کرمانی) (سواره شاهسون مشکین ابوالفتح امیر خان پسر فرضی خان که احضار کرد
 جایون شده بودند در شانزدهم ماه ریح الاول در تبریز حاضر گردیده در حضور نواب و الاریکن
 حله الحاق نظام سان دادند سواران قوچاق با اسبهای فریب چاق اسباب و اسلحه پاکیزه خوب
 داشتند بعد از سان مقرر گردید که در بار منجلیت در جایون روانه شوند) (از قراریکه در
 روزنامه خوی نوشته اند امور اولایب بکات و سرحدات آنجا از کمال مراقبت نواب محمد علی
 حاکم خوی نهایت نظم را وارد و در انتظام امور سرحدات و مهیت طرق و شوارع نهایت اهتمام
 بعمل می آورند) (در روزنامه خوی هم نوشته بودند که صاحب منصبان فرانس که جناب امین الملک
 بهر ای عالیجاه زیمیان خان فرستاده بود وارد خوی شدند از روز و دیر مد خوی تا خود شهر
 حسب احکام نواب والا محمد رحیم میرزا از جانب سرحد داران لازمه توقیر و احترام در باره آنها عمل
 آمده در مهیت و پنجم ماه صفر که وارد خوی شدند بنا بقضای فضل هوای خارج شهر کمال اعتدال
 داشت در همان خارج شهر برای آنها چادر زدند و در آنجا منزل نمودند و از جانب نواب مغزی الیه
 قد و چای و شیرینی آلات و میوه جات برای آنها فرستاده شده فردای روز روز و با اتفاق عالیجاه
 زیمیان خان بحضور نواب مغزی الیه آمدند و آنچه لازمه توقیر و احترام بود در حق صاحب منصبان
 بعمل آمده با کمال خوشنودی و رضامندی روانه دارسلطنه تبریز شدند قسم از قراریکه در روز
 دارالایمان قم نوشته اند اهلیت و انتظام و ارزانی و فراوانی دران ولایت حاصل است و رعایا
 و برابا اسوده خاطر با مؤثر زراعت و رعیتی خود و دعا کونی دات اقدس جایون شاهنشاهی شتغال
 دارند عالیجاه مقرب انخاقان ذوالفقار خان حاکم قم و سوده همه روزه در بیرونی عمارت خود
 لعرض و داور عالیجا رسیدگی نماید) (دیگر نوشته اند که چون حسب الامر قدر قدر جایون عالی مقام
 شده بود که مقرب انخاقان ذوالفقار خان کباب عمل بزمه استنایات دیوانی سوده که عالیجاه

۲۷۳۷

میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه سادہ بارعایای آنجا کرده بود رسیدگی و تحقیق نموده هرگاه زیادت
و جیبانی برعایای آنجا شده باشد در مقام رفع آن براید و حقیقت معاطله او را آنجا کپای مبارک معروض
خان حاکم بوصول حکم آدم باده و بلوکات فرستاده رعایا استحضار حکم در بار جان و داده آن
تعمیر نمود جمعی از رعایا و پیش سفیدان آنجا بدیج آمده و متعاقب یکدیگر می آیند و خان حاکم مشغول
حساب نایب الحکومه و رعایای سادہ است که بعد از اتمام حساب صورت آنرا بدربار معدلت وارد نماید
(دیگر نوشته اند که سیدی صراف از این قم میرزا ظاهر نام سببه انجام مہتی از دکان خود پانین آمد
بود و بازار رفته بود و زدی مترصد وقت بوده خود را بدکان او زده کب و خورچین او را که قریب پنجاه
شصت تومان شخواه داشت برده بود سیدی صراف بعد از مراجعت بدکان دیدہ بود شخواه او را برده
مضطرب الحال مراتب را با استحضار خان حاکم داده و ز او شیشاشی خود را خواسته قدغن نمود که کما
از دوشخواه را بدست پیاور دست را لیه نیز آد مہا لہر و محلات کما شتہ و خود از صبح تا ظہر در بازار
در جستجو بود پس از آن بہ پروں دروازہ رفته درخت اہبای پروں دروازہ را با شخواہ بعینہا بدست
آورده شخواہ بدون کسر و نقصان بعراق تبریز تسلیم شدہ سارق مورد تلبیس کردید) (دیگر نوشته
ضعیفه از اہل سادہ بمرض استرخا و فاج کر قفا رشتہ و مدتی اطہا معالجہ کردہ بودند فایدہ ندیدہ
در این اوقات در حالت یأس از معالجہ اطباء شدت مرض و دل شکستگی التماس کردہ بود کہ کن
او اورا زیارت روضہ مطہرہ حضرت معصومہ علیہا السلام و التھیہ سپارند او را زیارت آورد
و از صبح تا عصر در بالای سر ضریح مقدس کردہ و زاری و عجز و الحاح نمودہ وقت عصر او را خواب کہفتہ
بعد از لمحہ خدائم آمدہ او را بیدار کردند و متبیکہ بیدار شد خود را در کمال تندرستی و قوت دیدہ و ازجا
برخواست و شکر و تذلّل بر زمین گذاشتہ شکر الہی لعن آورد خدائم ان حضرت بعد از شکر
این حالت جناب متولی باشی و خان حاکم را استحضار دادند و صدای تکبیر و صلوات از خاص و عام
کہ مشاہدہ این حالت را کردہ بودند بلند شدہ برای انتشار این کرامت از ان لصفہ دوومان اہمیت
بالای کلدستہ صحیح مقدسہ کلدستہ جوان مہنجات برآمدہ فقارہ خانہ شادیانہ را بنوازش در آورده
انالی شہر و اطراف از دور و نزدیک بان استان ملایک مطاف زیارت و طواف آمدہ از وہام
تمام در صحیح مہمد شد بود

۲۷۳۸

خراسان از جمله غریب ارض قدس که نوشته بودند زنی در محله خیابان سفلی مجلس عریض
 جناب خاسن آل عبا علیه الصلوٰه و السَّلَام تریب و جمعی از نوان را دعوت کرده بودند است
 پنج شش هزار دینار صرف غذای مهمانهای خود نموده بعد از ذکر مصیبت خود بمطبخ رفته بود که طعام
 اصنیاف نماید با خود گفته بود که این چند دینار را بجهت خرج کردم و قیمت لباسی برای من بود
 سر دیک را کسوده بود و دیک را تهی یافته همان پول را که خرج کرده بود دست در میان دیک و دیده
 حیرت و مخجلتی بود دست داده بود که از سر راهبها نهی خود گفته آن پول را صرف حاضر نموده بود
 (دیگر نوشته بودند که مال دو نفر از زوار در عرض راه ارض قدس سر دوق شده بود بتوابع راه
 حسام سلطه عارض شدند بعد از تفحص معلوم شد که حسین نام که از جمله مجاریب مشهور بوده است
 سرقت کرده است بحکم نواب مغزی الیه او را بدست آورده در پای تخت وارد غه شهر او را
 رسانیدند) (دیگر نوشته اند که در شب نهم صفر لپری اصغمانی بسن چهارده ساله شب داخل
 روضه مقدسه رضویه علیه الاف الشفاء والتجید شده وقتی که خدام خواسته بودند در سجده
 خود را در پس پرده مخفی داشته و شب بالایی مرقم مظهر رفته مشغول کردن طلا آلات و جواهرات شده
 بود و از سکنا هر کدام زیرش فوه داشته است بدور می انداخته و هر کدام بی فوه بودند است برسد
 نزدیک صبح که خدام در سجده هر کدام را کسوده بودند آن پسر را دیدند گفتند در اینجا چه میکنی گفته بودند
 حالا سراغ شما آمدم خدام میگویند دروغ میگوئی درین بین دستمال بسته از کمر او بر زمین افتاده
 طلا آلات و جواهرات است که کند است و بعد بچل او واری کرده اند دیدند سکناهای بعد از
 هم کند است که بدور انداخته از او پرسیدند چه دینی این سکنا بدند گفته بود هر کدام فوه دست
 میداشتم شیشه است بدور می انداختم تا بچل که از سرش برض نواب و اجسام سلطه رسیده حکم برسد
 او فرمودند حرم از فراری که نوشته اند عالیجاه چراغ علی خان حاکم حرم در مراقبت امیر کمال
 سعی و جهد را دارد و الهی انجام داده بحال بدعای دوام و بقای سر سلطنت سینه اشتغال دارند
 این روزها که از ظلم غلات مردم آنجا تسولش واضطراب داشتند عالیجاه پشایه اغلب رعایا
 نواحی را احضار و بدادن تحقیق لغدوس و تخم و بذر خوشوقت و امیدوار نموده است (عالیجاه
 سین صاحب نایب اول جناب وزیر مختار دولت بته رسیده در معاودت از مقر خلافت کبری

۲۷۳۹

وارد رنجان شده در خانه حاکم منزل نموده از جانب شاریه لوازم مهمانداری و مراسم توقیر و احترام
او بعد آمده بعد از توقف دو روز روانه مقصد گردید فارس از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر
نوشته اند مقرب الخاقان احمد خان دریاپکی و حاکم بوشهر و مضامینات در نظم امور انولایت در فاع
حال رعیت مراقبت و مواظبت کاملی بعمل می آورد طرق و شوارع آن صفحات نهایت ایت را وارد
و احیاناً اگر چیزی از کسی سربقت برود یا اموال مسروقه را بدست آورده بصاحبش ردینماید یا وجه
از اگر فقه صاحب مال میدهد (دیگر نوشته اند روز ششم شهر صفر که روز مولود مسعود اعلی حضرت
قدس علیون شاهای صان الله ایام سلطنته عن التناهی بود پرده بیرق شیر و خورشید
علیه را برافراشته لوازم سباب عید را فراهم آورده صاحب منصبان نظام و تجار و معارف در
چهار برج حاضر شدند و از توپخانه مبارک بیت و یک تیر توپ شلیک کردند چهار تیر توپ
بیت انگلیس را به علم های الوان آرایش داده بیت و یک تیر توپ از چهار تیر توپ شلیک نمودند در
از توپخانه دولت علیه بیت و یک تیر توپ شلیک شد در شلیک ثانی یک توپچی را باد و سخط باد
قدری صدر زده سیر و صورتش را مجروح نمود و انعامی در حق او داده شد و صرف شربت و شیرینی
صرف نمودند چون آقا محمد علی ملک التجار خیر فوت برادر زاده اش از مملکت آمده و غزاوار بود مقرب الخاقان
دریاپکی از جانب دولت علیه یک شوب جبهه ترنم کشیری بشاریه داده و در آن روز عید سعید و را
از هر پیرون آورد) (دیگر نوشته اند که از منزل عالیجاه نجفعلی سلطان صاحب منصب توپخانه
مبارک که شب معادل شت تومان وجه نقد و یک عدد نشان طلا و یک عدد نشان مطلقاً و بعد چهل
تومان سباب و یک از قبیل شال و سیر قلیان نقره سربقت نموده بودند مراتب باستحضار مقرب الخاقان
دریاپکی رسیده و و نفر و ارفه انجار خواسته قدغن نمود که یا اموال مسروقه را پسنداند یا از غم
غرامت آن برانید شاریه با و شباشی در مقام تعین بر آمده معلوم شده بود که در بهاشی محمد بهاشی
در چند ساعت شب در شبستان مسجد آقا غریب یک نفر از متهر می صطبل توپخانه مبارک را با یک نفر دیگر
که رفیق او بود دیده بود مهتر را گرفته آوردند هر چه از او جویا شدند که تو آنوقت شب در مسجد چکار
جواب گفت که دروغ می گویند من در مسجد نبودم و از اصطلب پیرون نیامده ام با بچه اور محسوس کردند
چند روز در حبس بود فرآشی رفته اورا تهدید کرده بود گفته بود اگر فرآشی مرا اطمینان بدهد که سباب

۲۷۴۰

تسوم مال مسروقه را بر زمینید هم بعد از آنکه مطهر شد گفت که بلانی علی تو سچی مرا غنچه ک من و محمد علی تو سچی
 مرا غنچه و علی محمد مکرگرماتی شده خود نیاید و ما را فرستاده فتمیم اسباب و تحوا را بر داشته
 آورده در میان آن سوخت حاتم طلا پنهان کردیم مراتب معلوم شده سلطان مرغور فرستاد آن سه
 نفر دیگر را هم گرفته و مال مسروقه را تمام و کمال از میان اینار سوخت بدون آورده در کتبین تیبیه کامل شد
 گراماتشان از فرار روزنامه گراماتشان فرمان مهر بلخان مبارک که با قضا ز نواب و
 عماد الدوله حکمران گراماتشان شرف صدور یافته بود در باب رفع ترسان از امانی ولایت و
 مراقبت رفاه حال عتیب با نجا پر تو وصول اکنده نواب معزی الیه در وقتی که جناب امام جمعه و سایر
 علمای اعلام و سادات ذوی الا احترام و اعیان و اشراف و عموم امانی گراماتشان در مسجد
 جامع حاضر بودند فرمان مبارک را داده جناب امام جمعه در بالای منبر خواندند و مضامین آنرا
 که مشعر بر توجه و عنایت خاطر ملوکانه باحوال عموم رعایا و برپا و اسودگی آنها در نقل رفت و رفت
 حضرت اقدس اعلی بود که شش روز و روز یک نموده یکی صد اعیان بقای وجود فایض اجمود و جانان
 و از دیاد شوکت دولت روز افزون بلند کرده کمال دعا گوئی و شکر گذاری بر اهل اورده و
 نواب معزی الیه معزز و اشتمد که فرمان مبارک را سواد نموده و سواد آنرا به بلوکات و سرحدات
 فرستاده قاضی امانی آن ولایت را از شمول احرم ملوکانه استحضار بدهند بعد از آن از فرار که در
 بعد از نوشته اند با نجام فرمان عطف نشان در باب بخشیدن جرید و تخفیف خدمتانه مختصیلین از
 مصدر سلطنت عظمی شرف صدور یافته بود پر تو وصول اکنده اعیان و امانی و عموم رعایای آن ولایت
 ازین ظهور رحمت کمال شکر اهل اورده چون از مبارک بار و ریش سفیدان صنف همه ساله
 اجحاف و زیادتی با اهل بازاری شد و مبالغه کثرت علاوه بر مالیات دیوانی از کسبه می گرفتند
 اصناف ازین معنی پریشان حال شده بودند مقترب انجاقان میرزا علی شیخ مت اهل بازار را
 صنف بصنف احضار و غوررسی نموده و بصلاح و صواب بدیدر الیه امیر الامراء العظام معتد الملک
 قدغن نمود که احدی علاوه بر مالیات دیوانی حبه و دیناری بکسی ندهد و هر کار که از ان قدغن
 نمود که اگر کسی دیناری از اصناف علاوه بر بدی او گرفته باشد مورد مواخذه و تیبیه خواهد
 شد (دیگر نوشته اند که کبیری دست بچیب سید روزاری کرده بود که پول در بیاورد سید خبر داد)

۲۷۴۱